



## فصلنامه علمی

### مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی



## الگوی سوم زن و نقش آفرینی زنان در جنبش‌های مقاومت: مطالعه‌ای کیفی با

### رویکرد تحلیل محتوا و تطبیقی

بتول مهرگان<sup>۱</sup>، مریم رفیعی پور چیرانی<sup>۲</sup>

۳۶

دوره ۱۳، شماره ۴، پیاپی ۳۶  
زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:  
۱۴۰۴-۰۲-۱۷

تاریخ پذیرش:  
۱۴۰۴-۱۲-۰۱

صص: ۲۰-۱

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی، صنعت گواهی، در:  
JOURNALS.MSRT.IR

### چکیده

نقش زنان در جنبش‌های مقاومت همواره یکی از محورهای اصلی مطالعات اجتماعی و سیاسی بوده است. بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، «الگوی سوم زن» الگویی فرازمانی و مستقل از رویکردهای شرقی و غربی است که با تکیه بر آموزه‌های دینی و الگوگیری از زنان برجسته تاریخ اسلام، جایگاه چندوجهی زن مسلمان را بازنمایی می‌کند. هدف این پژوهش، تحلیل نقش زنان در جنبش‌های مقاومت و بازتعریف این الگو در بستر اجتماعی و تاریخی است. مطالعه حاضر با رویکرد کیفی و استفاده از تحلیل اسنادی و مرور منابع تاریخی و معاصر انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت فعال و اثرگذار زنان نه تنها در تحقق اهداف سیاسی و اجتماعی مؤثر بوده، بلکه زمینه‌ساز تحولات پایدار و ساختاری در جوامع شده است. همچنین، «الگوی سوم زن» امکان ایفای مسئولیت‌های همزمان در عرصه‌های خانوادگی و اجتماعی را فراهم کرده و الگویی جامع برای پیشرفت فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد. این پژوهش با ارائه مدلی منسجم و کاربردی، نوآوری در بازخوانی نقش زنان در جنبش‌های مقاومت را نمایان می‌سازد.

### واژگان کلیدی:

آموزش، الگوی سوم زن، توانمندسازی، جنبش‌های مقاومت، الگوی اسلامی ایرانی

۱. استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

(نویسنده مسئول) mehrgan@iaurasht.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری و مدیریت، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



## ۱- مقدمه و بیان مسئله

نقش زنان در تاریخ مقاومت‌های سیاسی، اجتماعی و انقلابی، در بسیاری از روایت‌های مرسوم تاریخی یا نادیده گرفته شده و یا به صورت حاشیه‌ای و محدود تحلیل شده است (افشارپور و همکاران، ۱۴۰۱؛ مولاوردی، ۱۳۸۴). در اغلب این روایت‌ها، کنش مقاومت با تمرکز بر مردان و رهبران مردانه تبیین شده و زنان اغلب در نقش‌های حمایتی و غیرمستقیم بازنمایی شده‌اند. این رویکرد، پیچیدگی و چندلایگی نقش زنان در فرآیندهای مقاومت را نادیده می‌گیرد.

با این حال، پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهند که مشارکت زنان در جنبش‌های مقاومت، فراتر از نقش‌های سنتی بوده و آنان در مقام کنشگران فعال، سازمان‌دهندگان اجتماعی و حتی رهبران سیاسی ظاهر شده‌اند (گلی‌زواره، ۱۳۸۹). این چرخش تحلیلی، زمینه‌ساز بازنمایی در الگوهای مسلط تبیین نقش زنان در مقاومت شده است.

در این چارچوب، "الگوی سوم زن" به عنوان یک چارچوب مفهومی متمایز مطرح می‌شود که نه مبتنی بر الگوی سنتی حذف زن از عرصه عمومی است و نه منطبق با الگوهای فردگرایانه غربی. این الگو، با تکیه بر آموزه‌های دینی و تجربه تاریخی زنان مسلمان، نقش زن را به صورت هم‌زمان در ساحت خانواده، اجتماع و مقاومت بازتعریف می‌کند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱).

نوآوری الگوی سوم نه در اصل مشارکت اجتماعی زنان، بلکه در صورت‌بندی و حیاتی، هویت‌محور و غیرتقابلی این مشارکت نهفته است. برخلاف برخی رویکردها که نقش آفرینی زنان را در تعارض با نهاد خانواده یا هویت دینی می‌فهمند، الگوی سوم بر امکان جمع میان مسئولیت‌های خانوادگی و کنشگری فعال اجتماعی و سیاسی تأکید دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تحلیل نقش زنان در جنبش‌های مقاومت با اتکا به چارچوب مفهومی الگوی سوم زن مسلمان انجام شده است و می‌کوشد نشان دهد که چگونه این الگو می‌تواند به تبیینی منسجم، بومی و معاصر از نقش زنان در تحولات اجتماعی و سیاسی منجر شود.

با در نظر گرفتن مطالب ذکر شده و اهمیت موضوع، پرسش‌های پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شوند:

۱. چگونه مشارکت زنان در جنبش‌های مقاومت و جنگ‌های جهانی بر نقش‌های اجتماعی و اقتصادی آنان تأثیر گذاشته است؟

۲. الگوی سوم زن چگونه می‌تواند به افزایش تأثیرگذاری زنان در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی کمک کند؟

۳. نقش زنان در جنبش‌های آزادی‌بخش و انقلاب‌ها تا چه اندازه در تغییرات سیاسی و اجتماعی مؤثر بوده است؟

۴. زنان در انقلاب‌های معاصر (مانند انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی) چه نقش‌هایی ایفاء کرده‌اند و تأثیر آنها

بر روند تحولات سیاسی چه بوده است؟



این مقاله با هدف تحلیل نقش زنان در حرکت‌های مقاومت، ابتدا به تعریف و توضیح الگوی سوم زن می‌پردازد. در بخش‌های بعدی بعد از مرور مبانی نظری و پیشینه پژوهش، روش‌شناسی پژوهش بیان می‌شود، بعد از آن یافته‌های پژوهش مطرح می‌شود و در پایان بحث و نتیجه‌گیری در مورد یافته‌ها و پیشنهادهایی برای مشارکت زنان در حرکت‌های مقاومت مطرح شده است.

## ۲- ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

### ۱-۲- نقش زنان در جنگ‌های جهانی اول و دوم

جنگ جهانی اول: در این جنگ، نقش‌های متعددی را در حمایت از جبهه‌ها ایفاء کردند. بسیاری از زنان به‌عنوان پرستاران در بیمارستان‌های نظامی کار کردند. همچنین، زنان در بسیاری از کشورها (مانند بریتانیا و فرانسه) وارد صنایع جنگی شدند و در تولید مهمات، لباس‌های نظامی و سایر تجهیزات جنگی فعالیت کردند (گلدستون، ۱۳۹۷: ۴۰۸). در طول جنگ جهانی دوم، بسیاری از زنان به جای مردانی که به جبهه‌های جنگ رفته بودند، وارد صنایع تولیدی و خدماتی شدند. این تغییر عمده در کار باعث شد که تولید جنگی به میزان بسیار زیاد افزایش یابد. در واقع، زنان به ستون فقرات تولید جنگی تبدیل شدند. البته در این دوران زنان در ارتش به‌عنوان پرستار نظامی، در بخش خدمات دریایی و هوایی به‌عنوان سرویس نیروی دریایی و سلطنتی و جاسوسی و اطلاعات ایفای نقش می‌کردند (زارع، ۱۳۹۶: ۱۰۳).

### ۲-۲- مطالعات مربوط به جنبش‌های آزادی‌بخش و انقلاب‌ها

جنبش‌های آزادی‌بخش و انقلاب‌های زنان به‌طور خاص به مبارزات زنان برای تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی ناعادلانه که بر اساس تبعیض جنسیتی بنا شده است، اشاره دارند. این جنبش‌ها می‌توانند در زمینه‌های مختلفی مانند حقوق مدنی، حقوق کارگری، دسترسی به آموزش و بهداشت، حقوق اقتصادی و اجتماعی، و حتی استقلال‌طلبی در برابر استعمارگران فعالیت کنند. در این راستا، جنبش‌ها و انقلاب‌های زنان با مسائل اجتماعی بزرگ‌تری چون آزادی، عدالت اجتماعی و مبارزه با فقر و نابرابری ارتباط مستقیم دارند و تلاش می‌کنند شرایطی عادلانه‌تر برای همه اقشار جامعه فراهم کنند (کسرای و طهماسبی، ۱۳۹۴: ۱۶۸).

### ۳-۲- تاریخچه جنبش‌های زنان در سرتاسر جهان

#### ۱-۳-۲- جنبش زنان در اروپای غربی و آمریکا

جنبش حق رأی زنان: یکی از مهم‌ترین جنبش‌های زنان در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، جنبش حق رأی زنان بود که در بسیاری از کشورهای غربی و آمریکا به جنبش پیوست. زنان در این جنبش خواستار حق مشارکت در روندهای سیاسی و داشتن حق رأی بودند. جنبش زنان در ایالات متحده به وقوع پیوست و در پی آن، دو سازمان مستقل برای حمایت از حقوق زنان شکل گرفت. «انجمن حق رأی زنان آمریکا»، که تمرکز اصلی آن بر حق رأی بود، به موضوعاتی مانند طلاق و نقد یا رد ازدواج توجهی نداشت. آن‌ها بر این باور بودند که دست‌یابی به حق رأی، زنان را توانمند می‌سازد



تا مجموعه‌ای گسترده از مشکلات را حل کنند. در مقابل، «انجمن ملی حقوق زنان» قرار داشت که مسئله زنان را از منظر «جنسیت» در ابعاد مختلف می‌نگریست و به مباحثی همچون قوانین طلاق و چالش‌های مربوط به مسائل خانوادگی پرداخته بود. (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۱۴).

### ۲-۳-۲- جنبش‌های زنان در کشورهای غیر غربی

جنبش‌های زنان در آسیا و آفریقا: زنان در بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی نه تنها به مبارزات ضد استعماری پرداخته‌اند، بلکه به مبارزه برای حقوق و آزادی‌های زنان نیز پرداختند (موسوی، ۱۳۹۱: ۲۵۱).

### ۲-۴-۲- جنبش‌های زنان در انقلاب‌ها

#### ۲-۴-۲-۱- انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹)

می‌توان به نقش‌های برجسته زنان در انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد. نقش زنان در انقلاب به‌ویژه در اعتراضات علیه رژیم شاهنشاهی و تلاش برای تغییرات اجتماعی و سیاسی برجسته بود. زنان در خیابان‌ها و تظاهرات حضور داشتند و بیشتر آنها به‌عنوان فعالان سیاسی و اجتماعی در صفوف مقاومت علیه رژیم پهلوی مبارزه می‌کردند (افشارپور و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۰).

#### ۲-۴-۲-۲- بیداری اسلامی (۱۳۹۰)

بیداری اسلامی که از سال ۲۰۱۰ آغاز شدند، مجموعه‌ای از اعتراضات مردمی و جنبش‌هایی بودند که علیه رژیم‌های استبدادی و فساد حکومتی در کشورهای عربی مختلف به راه افتادند. زنان در این انقلاب‌ها نقش حیاتی و برجسته‌ای ایفاء کردند. آنها نه تنها به‌عنوان شرکت‌کننده‌های فعال در اعتراضات خیابانی حضور داشتند، بلکه در سازماندهی‌ها و جنبش‌های رهبری نیز نقش‌های کلیدی را بر عهده داشتند. این انقلاب‌ها که به «بیداری اسلامی» نامیده می‌شوند، تحولات مهمی در بسیاری از کشورهای عربی از جمله تونس، مصر، لیبی و سوریه بوجود آوردند (حزباوی و علم، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

**الگوی سوم زن:** الگوی سوم زن، مفهومی است که رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در سال ۱۳۹۱ در پیامی به کنگره ۷۰۰۰ شهید زن کشور مطرح کردند. ایشان در این پیام بیان داشتند: «زن در دیدگاه شرقی به‌عنوان موجودی حاشیه‌ای و بی‌اثر در تاریخ‌سازی دیده می‌شد و در نگاه غربی، به عنوان فردی که جنسیت بر انسانیت او غلبه داشته و به ابزاری برای بهره‌برداری جنسی و خدمت به نظام سرمایه‌داری تبدیل شده است، معرفی می‌شد. اما زنان انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، یعنی "زن نه شرقی و نه غربی" ممکن است. زن مسلمان ایرانی توانست افق تازه‌ای را به روی زنان جهان بگشاید». این دیدگاه بر این باور است که زنان مسلمان قادرند با حفظ ارزش‌های اخلاقی همچون حجاب و عفت، به دستاوردهای علمی و پیشرفت‌های معنوی دست یابند و در عین حال، به عنوان مادر و همسر در خانواده نقش آفرینی کنند و در عرصه‌های اجتماعی نیز حضور مؤثر داشته باشند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱).



**مقاومت از نگاه قرآن:** مفهوم «مقاومت» در قرآن به معنای ایستادگی آگاهانه، صبر و پایداری در برابر ظلم و باطل، و تلاش برای تحقق حق و عدالت است. قرآن کریم استقامت در مسیر حق را یکی از ویژگی‌های برجسته مؤمنان می‌داند و به آن به‌عنوان شرط رستگاری اشاره می‌کند. خداوند در سوره هود (آیه ۱۱۲) می‌فرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ یعنی «پس همان‌گونه که مأمور شده‌ای استقامت کن، و کسانی که با تو به سوی خدا بازگشته‌اند نیز باید استقامت کنند و طغیان نکنند». (مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۱۲۷). همچنین در سوره آل‌عمران (آیه ۲۰۰) آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»، که نشان‌دهنده اهمیت صبر، شکیبایی و آماده‌باش برای مقابله با دشمنان است (ابن کثیر، ۱۹۹۸، ج ۲، ص ۷۶). در سوره محمد (آیه ۳۵) نیز بر ضرورت ایستادگی در برابر فشارها و پرهیز از هرگونه سستی تأکید شده است: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ» (ابن کثیر، ۱۹۹۸، ج ۴، ص ۳۵۸). این آیات نشان می‌دهد که مقاومت در قرآن مفهومی پویا و چندوجهی دارد و در کنار صبر و جهاد، به‌عنوان راهبردی الهی برای تحقق پیروزی حق بر باطل مطرح می‌شود.

#### مقاومت زنان در قرآن و پیوند آن با الگوی سوم زن

قرآن کریم، با ارائه نمونه‌های برجسته از زنان مقاوم، نقش فعال و پیشرو آنان را در برابر ظلم، فشارهای اجتماعی و شرایط سخت برجسته می‌کند. این روایت‌ها نشان می‌دهد که مقاومت، تنها به مردان یا رهبران نظامی محدود نمی‌شود، بلکه زنان نیز در جایگاه‌هایی کلیدی، نقش‌آفرین بوده‌اند. یکی از نمونه‌های برجسته، **آسیه همسر فرعون** است که در فضای سرشار از ظلم و فساد، با ایمان به خداوند از محیط طاغوت فاصله گرفت و الگوی شجاعت و مقاومت معنوی شد. در سوره تحریم (آیه ۱۱)، خداوند او را به‌عنوان مثالی برای مؤمنان معرفی می‌کند: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ...» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۳۴۶).

**حضرت مریم (س)** نیز نمونه‌ای از مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی و نگاه‌های قضاوت‌گر است. «آیه وهزری إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّحْلَةِ...» (مریم، ۲۵) در تفسیر المیزان نشانه آن است که حتی در شرایط دشوار، تلاش فعالانه همراه با ایمان، کلید نزول رحمت الهی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۰۸).

نمونه دیگر، **مادر حضرت موسی (ع)** است که با اعتماد کامل به وعده الهی، تصمیمی سرنوشت‌ساز گرفت و نوزاد خود را در رود نیل گذاشت (قصص، ۷-۱۰). این داستان، مقاومت را در قالب شجاعت مادرانه، ایثار و اعتماد به خدا نشان می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۲-۱۵).

این نمونه‌ها به‌وضوح نشان می‌دهد که قرآن، زنان را تنها در نقش‌های حمایتی یا خانوادگی محدود نمی‌سازد، بلکه آنان را به‌عنوان رهبران، الهام‌بخشان و عاملان تغییر اجتماعی و فرهنگی معرفی می‌کند. چنین نگرشی با مفهوم الگوی سوم



زن هم‌پوشانی دارد؛ الگویی که زنان را همزمان در عرصه خانواده و اجتماع فعال و مؤثر می‌داند، و آنان را به‌عنوان نیرویی تحول‌آفرین معرفی می‌کند.

توانمندسازی: به معنای فرآیندی است که در آن افراد از طریق ارتقاء دانش، مهارت‌ها و اعتمادبه‌نفس، توانایی بیشتری برای مدیریت زندگی و شغل خود کسب می‌کنند و در سازمان‌ها نیز به معنای واگذاری اختیار و امکان تصمیم‌گیری به کارکنان است (نویدی، ۱۳۹۳: ۸۱).

### توانمندسازی زنان از منظر قرآن و ارتباط آن با الگوی سوم زن

توانمندسازی زنان در قرآن، مفهومی چندبعدی است که هم رشد درونی و معنوی و هم قدرت اجتماعی و فرهنگی را دربر می‌گیرد. قرآن کریم با تأکید بر کرامت ذاتی انسان «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»، (اسراء: ۷۰)، زنان را نیز همانند مردان دارای ظرفیت‌های الهی برای رشد، رهبری و اثرگذاری اجتماعی می‌داند. توانمندسازی در قرآن بر پایه ارزش‌هایی چون ایمان، علم، اراده، صبر و تلاش مستمر استوار است (ابن کثیر، ۱۹۹۸، ج. ۱، ص. ۴۵).

خداوند در سوره قصص (آیه ۷۷) می‌فرماید:

«وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا»

که در تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱۶، ص ۲۱۱) این آیه به‌عنوان توصیه‌ای برای تعادل میان پیشرفت دنیوی و معنوی تفسیر شده است؛ این نگاه می‌تواند پایه‌ای برای مفهوم توانمندسازی زنان باشد.

همچنین در سوره نحل (آیه ۹۷) آمده است:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً...»

که در تفسیر المیزان (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۸۵) «حیات طیبه» به‌عنوان زندگی توانمند و با عزت معرفی شده است که هم زنان و هم مردان با عمل صالح و ایمان می‌توانند بدان دست یابند.

الگوی سوم زن به طور کامل با دیدگاه قرآن هم‌راستا است. قرآن زنان را نه تنها به‌عنوان مادر و همسر، بلکه به‌عنوان

الگوهای رهبری، الهام‌بخش و مقاوم معرفی می‌کند. نمونه‌هایی چون آسیه، حضرت مریم (س)، و مادر موسی، زنانی هستند که در کنار ایفای نقش‌های خانوادگی، با مقاومت و ایستادگی، جامعه خود را تحت تأثیر قرار دادند. این نگاه قرآنی، زنان را موجوداتی توانمند برای تحول اجتماعی و رشد فردی معرفی می‌کند (ابن کثیر، ۱۹۹۸، ج. ۲، ص. ۷۶).

بر اساس این مبانی، توانمندسازی زنان در پرتو قرآن شامل:

۱. تقویت ایمان و خودباوری؛
۲. کسب دانش و مهارت برای حضور مؤثر در اجتماع؛
۳. شکستن محدودیت‌های تحمیل‌شده و ایستادگی در برابر ظلم؛



#### ۴. ایجاد تعادل میان مسئولیت‌های خانوادگی و نقش‌های اجتماعی است.

این اصول با فلسفه «الگوی سوم زن» هماهنگ است، زیرا زنان را نه تنها به‌عنوان نیروی حمایتی، بلکه به‌عنوان کنشگران فعال در عرصه‌های مقاومت، آموزش و رهبری معرفی می‌کند (ابن کثیر، ۱۹۹۸، ج. ۱، ص. ۴۵).

#### مقایسه توانمندسازی در قرآن و رویکردهای مدرن

توانمندسازی زنان در قرآن، برخلاف برخی رویکردهای فقط مادی‌گرایانه یا فردگرایانه مدرن، مبتنی بر توحید، کرامت انسانی و تعادل میان مسئولیت‌های فردی و اجتماعی است. قرآن با تأکید بر ارزش‌های معنوی، توانمندسازی را فرآیندی درونی و بیرونی می‌داند که شامل رشد ایمان، علم، اراده و قدرت اجتماعی است (سراء، ۷۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۹۴). در حالی که در رویکردهای مدرن، مانند نظریات فمینیستی یا رویکرد توسعه انسانی سازمان ملل متحد (UNDP)، توانمندسازی بیشتر به دسترسی به منابع، حقوق برابر، استقلال اقتصادی و آزادی انتخاب تأکید دارد (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۶؛ فولبر، ۲۰۱۴).

هرچند هر دو رویکرد در اهمیت مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی هم‌نظر هستند، اما قرآن توانمندسازی را با بعد اخلاقی و معنوی گره می‌زند و زنان را نه فقط به‌عنوان مطالبه‌گران حقوق، بلکه به‌عنوان الهام‌بخش تغییر و تحول اجتماعی در کنار حفظ هویت معنوی و خانوادگی معرفی می‌کند. در این نگاه، زنان همان‌گونه که می‌توانند در جامعه فعال باشند، وظایف خانوادگی خود را نیز ارزشمند می‌دانند؛ رویکردی که با «الگوی سوم زن» سازگاری کامل دارد.

**جنبش‌های مقاومت:** به تلاش‌های هماهنگ‌شده‌ای اطلاق می‌شود که بوسیله بخشی از مردم یک کشور برای مبارزه با دولت قانونی یا نیروهای اشغالگر خارجی انجام می‌شود. این جنبش‌ها می‌توانند از روش‌های گوناگونی برای رسیدن به اهداف خود استفاده کنند، از جمله مقاومت مسالمت‌آمیز (که به ایستادگی مدنی معروف است) یا به کارگیری زور، چه به صورت مسلحانه و چه غیرمسلحانه. به عنوان نمونه، در دوران جنگ جهانی دوم، جنبش مقاومت نروژ از هر دو روش خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز استفاده کرد (براتعلی‌پور، ۱۳۹۶: ۷۶).

در این قسمت به برخی از تحقیقات انجام شده در این حوزه اشاره می‌شود.

نبوی و نظری (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان "مبانی انسان‌شناختی در جایگاه حقوقی زن مسلمان" با رویکردی حقوقی و مبنایی، به تبیین انسان‌شناختی جایگاه زن مسلمان در فقه امامیه می‌پردازند. این مقاله یکی از معدود پژوهش‌های فارسی در سال‌های اخیر است که به‌طور مستقیم مفاهیم بنیادین و تبیینی درباره نقش زن مسلمان را با استناد به مبانی فقهی و

۱. United Nations Development Program  
۲. Folbre



انسان‌شناختی مورد تحلیل قرار می‌دهد. نویسندگان نشان می‌دهند که فهم دقیق حقوق و جایگاه زن در اسلام مستلزم بازتعریف مبانی انسان‌شناختی است و این موضوع می‌تواند به پشتیبانی نظری الگوهای نقش آفرینی زن مسلمان کمک کند. تقوی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله خود "جنبش زنان در ایران پس از انقلاب؛ از مطالبات ایدئولوژیک تا مطالبات روزمره" را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد جنبش زنان در ایران از ایدئولوژی به سیاست روزمره تبدیل شده است. و مطالبات زنان معطوف به اعتراض به نفوذ قدرت در زندگی خصوصی آنها، مخالفت با انقیاد بدن آنها و تلاش برای دستیابی به حقوق اساسی بشر است.

شفیعی (۱۴۰۲) در پژوهشی "بسیج جمع‌آوری اعانه در جنبش مشروطه: ابعادی از مشارکت اجتماعی زنان" را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد این بحث در پنج حوزه دسته بندی شده است: اهداف عملی، انگیزه ها، مکانیسم ها، وضعیت اجتماعی-اقتصادی شرکت کنندگان و استراتژی ها. تلاش های جمع آوری کمک های مالی با هدف تأمین منابع برای انقلابیون مشروطه در دوران استبداد صغیر، حمایت از خانواده های مبارزان کشته شده در تبریز و اردبیل و انباشت سرمایه اولیه برای تأسیس بانک ملی، با انگیزه های میهن پرستانه زنانی بود که برای رسیدن به استقلال و حمایت تلاش می کردند. همچنین، مشارکت زنان از اقشار اجتماعی مختلف در جنبش ها، به طوری که این حرکت را به یک پدیده اجتماعی و سیاسی تبدیل می کند، تبدیل می شود که همه گروه های زنان را با هویت های مختلف درگیر کرده و به تقویت همبستگی اجتماعی در میان آنها می پردازند.

عبدلی (۱۴۰۲) در مقاله ای "گفتمان حقوقی زنان: عصر مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول" را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد گفتمان زنان در طول چهار دوره زمانی به پایان رسید. این جنبش تا جایی پیش رفت که توانست خود را به عنوان گفتمان زنان طبقات اجتماعی بالا از سایر بخش های جامعه متمایز سازد و در نهایت، بخش هایی از حقوق خود را در میان زنان جوامع غربی از طبقه بندی غالب به چالش بکشد. با این حال، چون این مطالب با نیازها و خواسته های عمومی زنان جامعه هم خوانی نداشتند، دست نیافتنی و غیرقابل اطمینان به نظر می رسیدند. بنابراین، در دوره ای از تاریخ که هم زمان با دیکتاتوری رضاشاه بود، زنان قدرت گفتمانی خود را از دست دادند. این وضعیت باعث شد جنبش زنان نتواند شکل بگیرد و بر ابعاد مختلف جامعه تأثیر بگذارد؛ در نتیجه، بسیاری از مطالبات آنان به حاشیه رانده شد و فرصتی برای رشد و تغییر واقعی در وضعیت اجتماعی زنان فراهم نیامد.

شریفی ساعی (۱۴۰۱) در پژوهشی "جنبش زنان و هنر مقاومت در عصر مشروطه" را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که در دوران مشروطه، زنان از تحصیل محروم بودند زیرا آموزش تنها حق پسران بود. قوانین هم از آنها حمایت می‌کرد. زنان حق شرکت در انتخابات را نداشتند، زیرا حق انتخاب تنها به مردان اختصاص داشت. بنابراین، جنبش زنان در دوران مشروطه، مبارزه‌ای تاریخی را در سه حوزه مختلف آغاز کرد تا وضعیت موجود را تغییر دهد و حقوق اساسی خود را به دست آورد. این مبارزات شامل مطالبات حقوقی، اجتماعی و سیاسی بود که زنان برای کسب آنها به



تلاش‌های تخصصی دست زدند: ۱. مبارزه برای دستیابی به حق تحصیل؛ ۲. تلاش برای اصلاح قوانین خانواده؛ ۳. کوشش برای کسب حق رأی و مشارکت سیاسی. در این دوره، زنان موفق شدند به نخستین هدف خود دست یابند و حق تحصیل را به دست آورند. در دو هدف دیگر، با وجود تلاش‌ها و مطالبه‌گری‌های چندلایه، پیشرفت‌هایی حاصل شد، اما در نهایت دستیابی کامل به این اهداف محقق نشد. با این حال، در این دو زمینه نیز از طریق گفتمان‌سازی و مطالبه‌گری در عرصه عمومی، زمینه را برای تغییرات در دوره‌های بعدی فراهم کردند. این حرکت‌های زنان در نهایت به تغییراتی در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی منجر می‌شود که در آینده به بخشی از حقوق سیاسی تبدیل می‌شود.

میری و معزی (۱۴۰۲) در پژوهش خود به "بررسی نقش زن و خانواده در جامعه ایران اسلامی از نگاه قرآن و مقایسه با دیگر جوامع اروپایی" پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ایفای نقش تربیتی زن در خانواده با حضور و مشارکت او در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منافاتی ندارد. اسلام با رویکردی ارزش‌مدار، مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی را نه تنها مجاز، بلکه دارای اهمیت و منزلت می‌داند. در نگرش قرآنی، زن به‌عنوان کنشگری مؤثر در جامعه شناخته می‌شود که همچون مردان، مسئولیت مشارکت در مسائل اساسی اجتماعی را بر عهده دارد. بر این اساس، می‌توان گفت اسلام نگاهی جامع و نظام‌مند به شخصیت و اشتغال زن ارائه کرده است.

خادمی و تقی زاده (۱۳۹۸) در پژوهش خود "مدل مفهومی موضوع زن در گفتمان انقلاب اسلامی مطالعه موردی: منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای" را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که با به‌کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی در چارچوب رویکرد منظومه‌ای، دو مفهوم کلیدی 'الگوی سوم' و 'انسان انقلابی' استخراج شده‌اند. هر یک از این مفاهیم ابعدی از تصویر ارائه‌شده را آشکار می‌سازند و این تصویر بیانگر نگاهی فراجنسیتی، اما با در نظر گرفتن ملاحظات جنسیتی، از سوی رهبر انقلاب به موضوع زن در منظومه فکری کلان ایشان است.

هدایت‌نیا (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "الگوی رفتاری زن در خانواده و جامعه" با رویکردی دینی-اجتماعی، به تبیین الگوی رفتاری زن مسلمان در دو عرصه خانواده و جامعه می‌پردازد و تلاش می‌کند الگویی متمایز از الگوهای رایج غربی ارائه دهد. وی بر تلفیق نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زن بر پایه آموزه‌های اسلامی تأکید دارد و نشان می‌دهد که زن مسلمان می‌تواند بدون تعارض هویتی، در هر دو عرصه ایفای نقش کند. این اثر از نخستین تلاش‌های نظری در جهت صورت‌بندی الگویی غیرغربی برای نقش زن در جامعه اسلامی به‌شمار می‌رود، اما تمرکز آن بیشتر بر توصیف هنجاری است و کمتر به بازخوانی اجتماعی-کاربردی الگو در شرایط معاصر پرداخته است.

گودرزی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان بررسی جنبش زنان در انقلاب کبیر فرانسه در قرن ۱۸ به نقش و مشارکت فعال زنان در تحولات اجتماعی و سیاسی پیش از انقلاب فرانسه پرداخته است. وی با تحلیل انجمن‌ها و اعتراضات زنان، از جمله فعالیت‌های شخصیت‌هایی چون المپ دو گوژ و پولتن لئون، نشان داده است که گرچه زنان پس



از انقلاب به‌طور مستقیم به حقوق اجتماعی و سیاسی دست نیافتند، اما مبارزات آن‌ها موجب شکل‌گیری تحولات نوین در نگرش به جایگاه زنان شد و زمینه دستیابی به حقوق مدنی در قرن نوزدهم را فراهم کرد.

اختر و سیرگار<sup>۱</sup> (۲۰۲۵) در پژوهشی بین‌المللی نقش زنان مسلمان را در توسعه جامعه توسعه‌یافته بررسی کرده‌اند. آن‌ها نشان می‌دهند که اسلام ضمن تأکید بر تحصیل و کسب دانش برای زنان، مشارکت آن‌ها را در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و سیاسی مشروع و ضروری می‌داند. این مقاله به‌ویژه برای نشان دادن ابعاد مختلف نقش‌پذیری اجتماعی زنان مسلمان و تأکید بر مشارکت فعال در جامعه قابل استفاده است.

آندریا کورنوال<sup>۲</sup> (۲۰۲۴) در پژوهشی "نقش اقدام اجتماعی و سیاسی در پیشبرد حقوق زنان، توانمندسازی و پاسخگویی به زنان" را مورد بررسی قرار داد. این مقاله بر اهمیت درک چشم‌انداز سیاسی که در آن بازیگران اجتماعی و سیاسی به‌عنوان یک میدان عمل دائم در حال تغییر، هم از نظر زمینه‌ای و هم از لحاظ زمانی عمل می‌کنند، تأکید می‌کند، که در آن مقاطع حیاتی همسو با راهبردها، شیوه به‌کاربردن ابزارها و نیروها و بازیگران خاص می‌توانند برای تولید سیاسی رخ دهند. دستاوردهای معنادار در این یادگیری از این مقاطع در مورد اینکه چه چیزی و چگونه کار کرده است، نشان می‌دهند که تحقیقات می‌تواند به ایجاد تغییرات مثبت در آینده کمک کند.

کلمنتس<sup>۳</sup> (۱۹۸۲)، در پژوهش خود با عنوان "زنان کارگر و روستایی در انقلاب روسیه، ۱۹۲۳-۱۹۱۷"، به نقش و جایگاه زنان کارگر و روستایی در انقلاب روسیه می‌پردازد و نشان می‌دهد که هرچند رهبران بلشویک وعده برابری حقوق زنان را دادند، اما واکنش زنان به این وعده‌ها متفاوت بود. زنان روستایی اغلب به دلیل وابستگی به ساختارهای سنتی، خانواده و ارزش‌های مذهبی، در برابر تغییرات مقاومت نشان دادند و کمتر در فعالیت‌های سیاسی مشارکت کردند. در مقابل، زنان کارگر شهری که بیشتر تحت تأثیر شرایط مدرن قرار گرفته بودند، با حضور در اعتراضات و تظاهرات برای حقوق اقتصادی و اجتماعی فعال‌تر عمل کردند. با این حال، بسیاری از زنان، به‌ویژه در میان طبقه کارگر، به جای سیاست، بر خانواده و نیازهای روزمره تمرکز داشتند. بلشویک‌ها برای جلب حمایت زنان اقدام به ایجاد «دفتر زنان» و سازماندهی کنفرانس‌های سراسری کردند، اما تنها بخش محدودی از زنان از این طرح‌ها استقبال کردند. این مقاله نشان می‌دهد که شرایط جنگ، فقر، بی‌سوادی و ساختارهای پدرسالارانه از مهم‌ترین موانع مشارکت گسترده زنان در جریان انقلاب بوده است.

بنجامین کی سواکول<sup>۴</sup> (۲۰۲۲) در مطالعه خود با عنوان "گونه‌شناسی و مهار جنبش‌های اجتماعی برای تغییرات اجتماعی تحول‌آفرین: فراتر از علم و سیاست" به بررسی قدرت چهار جنبش اجتماعی تاریخی موفق می‌پردازد - ضد

۱. Akhter & Siregar

۲. Cornwall

۳. Clements

۴. Swakol



برده داری (الغای برده داری و حقوق جهانی کار)، اعتدال (منع مصرف الکل)، حقوق مدنی (برابری نژادی و حقوق رای)، و تنظیم خانواده (زنان) حقوق و انتخاب باروری). نتایج نشان می‌دهد که جنبش‌های دگرگون‌کننده به طور حتمی نیازی به تمرکز بر تحول ندارند، و در عوض می‌توانند اصلاحات تدریجی و یا تغییر رفتار افراد را هدف قرار دهند.

مگسی و منگال<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) در پژوهشی "توانمندسازی زنان در اسلام و پیامدهای آن در جهان معاصر" را مورد بررسی قرار دادند. این پژوهش با بررسی آموزه‌های اسلامی، نشان می‌دهد که اسلام چارچوب مستقلی برای توانمندسازی زنان ارائه می‌دهد که با الگوهای لیبرالی و فردگرایانه غربی تفاوت ماهوی دارد. در این پژوهش، توانمندسازی زن مسلمان در پیوند با خانواده، مسئولیت اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی تبیین می‌شود. نتایج این مطالعه می‌تواند مبنای نظری مهمی برای تبیین ریشه‌های وحیانی الگوی سوم زن مسلمان باشد.

سمیر و الکال<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان "به سوی الگویی برای توانمندسازی مدیریتی زنان مسلمان" مدلی مفهومی برای توانمندسازی زنان مسلمان در حوزه مدیریت و رهبری ارائه می‌کنند که بر ارزش‌های دینی، فرهنگی و زمینه‌های بومی جوامع اسلامی استوار است. در نهایت، پژوهش یک مدل چندبعدی و چندسطحی ارائه می‌دهد که می‌تواند به عنوان راهنمای توانمندسازی زنان مسلمان در مدیریت و رهبری در جوامع مختلف مورد استفاده قرار گیرد.

مکسول ادجی<sup>۳</sup> (۲۰۲۱) در پژوهشی "پایان دادن به جنگ داخلی از طریق مقاومت بدون خشونت: اقدام جمعی زنان لیبریا برای جنبش صلح" را مورد بررسی قرار داد. این مقاله اصول دوازده گانه آکرمن و کروگلر (۱۹۹۴) را در مورد درگیری غیرخشونت آمیز راهبردی به عنوان یک چارچوب مفهومی برای تجزیه و تحلیل راهبردی بدون خشونت به کار می‌گیرد. این مقاله همچنین به برخی از کمک‌های منحصر به فرد و مهم زنان در جنبش‌های غیرخشونت‌آمیز توجه می‌کند.

مُوگُوئه<sup>۴</sup> (۲۰۱۸) در مقاله خود با عنوان "نقش زنان و جنبش‌های جدایی طلب نظامی شده در آفریقا: تأملات یک فمینیست آفریقایی" به بررسی نقش زنان در جنبش‌های جدایی طلب در آفریقای پس از استعمار می‌پردازد. این پژوهش با استفاده از رویکردی بین‌رشته‌ای و چند متدولوژیکی، نشان می‌دهد که زنان آفریقایی به رغم سلطه مردان در این جنبش‌ها، برای کسب قدرت اجتماعی و سیاسی خود، از فعالیت‌های جنبش‌های جدایی طلبانه حمایت کرده‌اند. مُوگُوئه با بررسی مطالعات موردی از مناطق مختلفی چون آنگولوفون کامرون، صحرای غربی، استان کابیندا (آنگولا) و بیافرا (نیجریه)، چارچوب تحلیلی جدیدی ارائه می‌دهد که مشارکت چندجانبه زنان را در تحولات سیاسی و نظامی جنبش‌های جدایی طلب در آفریقا به خوبی تبیین می‌کند. این پژوهش اهمیت نقش زنان را فراتر از مرزهای سنتی در جنبش‌های سیاسی معاصر نشان می‌دهد و به درک عمیق‌تری از پیچیدگی‌های هویت و قدرت در شرایط پس از استعمار می‌انجامد.

۱. Magsi & Mengal

۲. Samier & ElKaleh

۳. Adji

۴. Mougoué



## جمع‌بندی تحلیلی پژوهش‌های مرتبط و جایگاه پژوهش حاضر

مطالعات داخلی اغلب بر تبیین مبانی فقهی، قرآنی و انسان‌شناختی جایگاه زن مسلمان تمرکز داشته‌اند. پژوهش‌هایی مانند نبوی و نظری (۱۴۰۳)، هدایت‌نیا (۱۳۹۵)، خادمی و تقی‌زاده (۱۳۹۸) و میری و معزی (۱۴۰۲) با تأکید بر آموزه‌های اسلامی، امکان جمع میان نقش خانوادگی و مشارکت اجتماعی زنان را تبیین کرده و درصدد ارائه الگویی متمایز از الگوهای غربی بوده‌اند. با این حال، این آثار اغلب رویکردی توصیفی و مبنایی داشته و کمتر به بازخوانی اجتماعی-کاربردی الگو در شرایط معاصر پرداخته‌اند.

در مقابل، پژوهش‌های تاریخی و جامعه‌شناختی درباره جنبش زنان در ایران (تقوی و همکاران، ۱۴۰۲؛ شفیعی، ۱۴۰۲؛ عبدلی، ۱۴۰۲؛ شریفی ساعی، ۱۴۰۱) نشان می‌دهند که مطالبات زنان در بسترهای مختلف تاریخی، اغلب به دلیل فقدان پیوند با نیازهای بومی و هویتی جامعه، به نتایج پایدار منجر نشده است. این مطالعات به‌طور ضمنی بر ضرورت شکل‌گیری الگویی بومی، پایدار و هویت‌محور برای نقش‌آفرینی زنان تأکید دارند.

پژوهش‌های خارجی نیز، به‌ویژه آثار مگسی و منگال (۲۰۲۱) و سمیر و الکالح (۲۰۲۱)، بر این نکته تأکید دارند که توانمندسازی زنان مسلمان نیازمند مدل‌هایی زمینه‌مند و متناسب با ارزش‌های دینی و فرهنگی است و الگوهای لیبرال غربی نمی‌توانند به‌طور کامل پاسخ‌گوی جوامع اسلامی باشند. در مقابل، مطالعاتی مانند کورنوال (۲۰۲۴)، کلمنتس (۱۹۸۲) و موگوئه (۲۰۱۸) نشان می‌دهند که الگوهای غربی و پسااستعماری جنبش زنان اغلب بر تقابل با ساختارهای سنتی و تقدم سیاست بر خانواده استوار بوده‌اند که تفاوت ماهوی آن‌ها با رویکرد اسلامی را آشکار می‌سازد.

بر این اساس، اگرچه پژوهش‌های متعددی به تبیین مبانی و حیاتی، تاریخی و اجتماعی نقش زن مسلمان پرداخته‌اند، اما خلأ یک صورت‌بندی معاصر و کاربردی که بتواند این مبانی را در قالب الگویی منسجم و پاسخ‌گو به شرایط اجتماعی امروز بازنمایی کند، همچنان محسوس است؛ خلأیی که پژوهش حاضر با تمرکز بر الگوی سوم زن مسلمان درصدد تبیین آن است.

## چارچوب مفهومی مقاله

مفهوم مقاومت در این مقاله، هم از منظر اجتماعی و سیاسی و هم از بعد قرآنی تحلیل می‌شود. قرآن کریم، مقاومت را به‌عنوان ایستادگی آگاهانه در برابر ظلم و فساد معرفی می‌کند که بر پایه ایمان، صبر و تلاش فعالانه شکل می‌گیرد (بقره، ۱۵۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۵). الگوهای زنانه در قرآن، مانند آسیه، مریم (س) و مادر موسی، نمونه‌هایی از زنانی هستند که با وجود فشارهای اجتماعی یا سیاسی، به‌واسطه ایمان و شجاعت، نقشی فعال در تاریخ مقاومت ایفاء کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴).



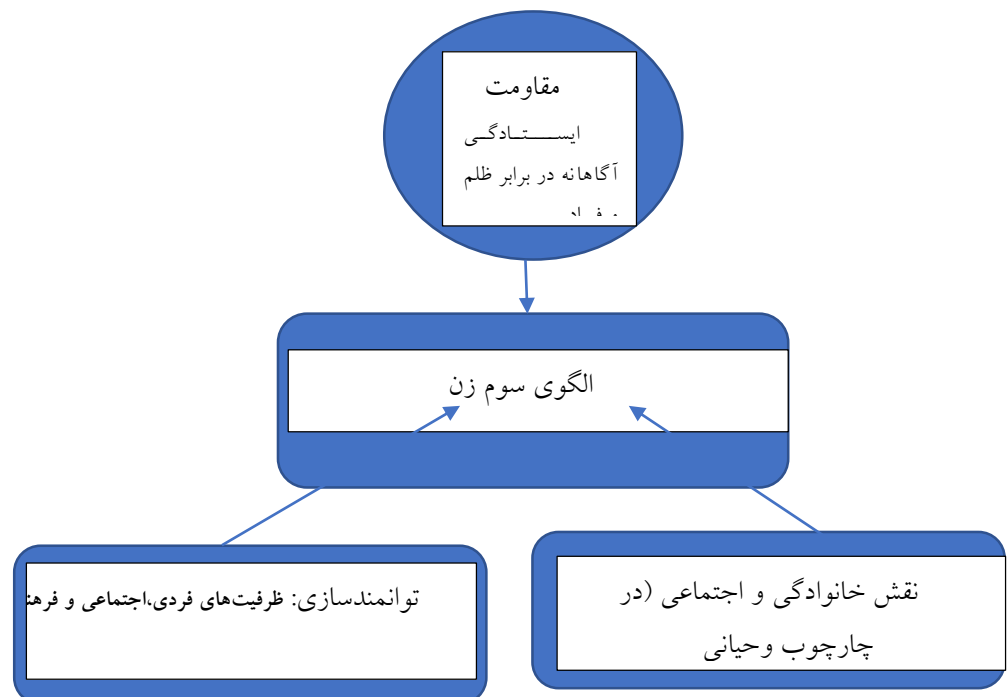
توانمندسازی در چارچوب قرآنی، فرایندی چندبعدی است که با رشد ظرفیت‌های فردی، اجتماعی و معنوی زنان ارتباط دارد. این مفهوم در آیات متعددی، مانند «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل، ۹۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۸۲) مورد تأکید قرار گرفته و نشان می‌دهد که توانمندسازی زنان با خودباوری، علم، مهارت، و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و الهی پیوند دارد.

الگوی سوم زن، الگویی وحیانی و مستقل از دوگانه‌ی شرق و غرب است که توازن الهی نقش‌های خانوادگی (مادری، تربیت، حمایت خانواده) و اجتماعی (رهبری، مشارکت اجتماعی و مقاومت فعال) را بر پایه‌ی ایمان و مسئولیت الهی برقرار می‌کند. این الگو با نگاه قرآنی هم‌سو است، چرا که قرآن نه تنها نقش خانوادگی زنان را ارزشمند می‌داند بلکه آنان را به‌عنوان عاملان تغییر اجتماعی و رهبران فرهنگی معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴).

بر اساس این چارچوب، توانمندسازی زنان در بستر مقاومت‌های اجتماعی و تاریخی، زمانی به بیشترین تأثیر می‌رسد که در چارچوبی الهام‌گرفته از الگوی سوم زن تحلیل شود؛ الگویی مستقل، مبتنی بر آموزه‌های وحیانی که مسیر میانه‌ای از حضور آگاهانه، فعال و ارزش‌مدار زنان در جامعه ترسیم می‌نماید (ابن کثیر، ۱۹۹۸، ج. ۲، ص. ۷۶).

بر اساس مبانی نظری و مرور پیشینه، چارچوب مفهومی پژوهش به‌صورت شکل ۱ ارائه شده است که ارتباط میان مفاهیم کلیدی، یعنی مقاومت، توانمندسازی و الگوی سوم زن را نشان می‌دهد:

«الگوی سوم زن (الگوی وحیانی، نه شرقی و نه غربی)»



شکل ۱: چارچوب مفهومی پژوهش



با توجه به مطالب مطرح شده فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر بیان می‌شوند.

### ۳- فرضیه‌های پژوهش

۱. مشارکت زنان در جنبش‌های مقاومت و جنگ‌های جهانی منجر به تغییر در نقش‌های اجتماعی و اقتصادی آنان شده است.
۲. الگوی سوم زن، موجب افزایش تأثیرگذاری زنان در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی می‌شود.
۳. نقش زنان در جنبش‌های آزادی‌بخش و انقلاب‌ها فراتر از حضور نمادین بوده و تأثیر مستقیمی بر تحولات سیاسی و اجتماعی داشته است.
۴. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که زنان در انقلاب‌های معاصر (مانند انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی) نه تنها در اعتراضات خیابانی بلکه در رهبری و سازماندهی جنبش‌ها نیز نقشی کلیدی ایفاء کرده‌اند.

### ۴- روش‌شناسی

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوا به همراه بررسی اسناد تاریخی، نقش زنان در جنبش‌های مقاومت و مفهوم «الگوی سوم زن» را تحلیل می‌کند. جامعه آماری شامل زنان فعال در جنبش‌های اجتماعی، پژوهشگران، فعالان مدنی، سیاست‌گذاران و دانشجویان است که با نمونه‌گیری هدفمند از جنبش‌های مقاومت در دوره‌های مختلف تاریخی انتخاب شده‌اند. داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای، مقالات علمی، خاطرات و گزارش‌های تاریخی جمع‌آوری و با استفاده از تحلیل محتوا و تحلیل تطبیقی بررسی شده‌اند. افق زمانی پژوهش از قرن ۱۹ تا دهه‌های اخیر می‌باشد. برای اعتبارسنجی پژوهش، از سه‌گانه‌سازی داده‌ها، بازبینی توسط متخصصان و بررسی مشارکتی استفاده شده و با مستندسازی دقیق مراحل پژوهش و تحلیل بی‌طرفانه داده‌ها، قابلیت اعتماد و تأییدپذیری افزایش یافته است. ارائه توصیفات غنی و مقایسه با پژوهش‌های مشابه نیز انتقال‌پذیری یافته‌ها را تقویت کرده است. این پژوهش با رعایت ملاحظات اخلاقی و تحلیل انتقادی، به شفاف‌سازی تأثیرات زنان در جنبش‌های مقاومت می‌پردازد.

### ۵. یافته‌های پژوهش

۱. تأثیر مشارکت زنان در جنبش‌های مقاومت و جنگ‌های جهانی بر نقش‌های اجتماعی و اقتصادی آنان:
  - بررسی اسناد تاریخی نشان می‌دهد که زنان در جنگ‌های جهانی اول و دوم، علاوه بر ایفاء نقش‌های سنتی مانند پرستاری، به فعالیت در صنایع تولیدی، اطلاعاتی و حتی نظامی پرداختند. یافته‌های گلدستون با عنوان به سوی نسل چهارمی از نظریه‌های انقلابی هم راستا با نتیجه بدست آمده در فرضیه ۱ پژوهش حاضر است.



• این مشارکت منجر به تغییر در جایگاه اجتماعی زنان شد و زمینه را برای افزایش نقش آنان در بازار کار، سیاست و جامعه فراهم کرد. نتایج حاصل از مطالعه زارع با عنوان جنگ چهره زنانه ندارد هم راستا با نتیجه بدست آمده در فرضیه ۱ پژوهش حاضر است.

• پس از جنگ‌ها، بسیاری از کشورها حقوق بیشتری برای زنان قائل شدند، از جمله حق رأی و دسترسی به فرصت‌های شغلی گسترده‌تر. نتایج حاصل از پژوهش کسرابی و طهماسبی با عنوان گفتمان‌های زنان پس از انقلاب اسلامی و یافته‌های مشیرزاده با عنوان از جنبش تا نظریه اجتماعی هم راستا با نتیجه بدست آمده در فرضیه ۱ پژوهش حاضر است.

## ۲. نقش الگوی سوم زن در افزایش تأثیرگذاری زنان در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی:

• الگوی سوم زن، با تکیه بر مبانی و حیانی و کرامت الهی، امکان مشارکت فعال زنان در جنبش‌های مقاومت را فراهم کرده است. آموزه‌های قرآن مجید، یافته‌های بدست آمده از پژوهش شفيعی با عنوان بسیج جمع‌آوری اعانه در جنبش مشروطه: ابعادی از مشارکت اجتماعی زنان، یافته‌های حاصل از پژوهش مکارم شیرازی با عنوان تفسیر نمونه، نتایج حاصل از پژوهش علامه طباطبایی با عنوان تفسیر المیزان، و نتایج حاصل از پژوهش آندریا کورنوال با عنوان نقش اقدام اجتماعی و سیاسی در پیشبرد حقوق زنان، توانمندسازی و پاسخگویی زنان هم راستا با فرضیه ۲ پژوهش حاضر است.

• نمونه‌های مختلفی از این الگو در جنبش‌های آزادی‌بخش و انقلاب‌ها مشاهده شده که نشان‌دهنده توانایی زنان در ایفاء نقش‌های چندوجهی است. نتایج حاصل از پژوهش علامه طباطبایی با عنوان تفسیر المیزان، یافته‌های حاصل از پژوهش مکارم شیرازی با عنوان تفسیر نمونه مؤید نتایج حاصل از فرضیه ۲ پژوهش حاضر می‌باشد.

## ۳. نقش زنان در جنبش‌های آزادی‌بخش و انقلاب‌ها و تأثیر آن‌ها بر تحولات سیاسی و اجتماعی:

• بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که زنان نه تنها به‌عنوان حامیان جنبش‌ها، بلکه به‌عنوان رهبران و سازمان‌دهندگان نقشی کلیدی ایفاء کرده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش علامه طباطبایی با عنوان تفسیر المیزان، و نتایج مطالعه مولوردی با عنوان زن ایرانی و تجربه ۲۵ سال حضور در مجامع بین‌المللی هم راستا با فرضیه ۳ پژوهش حاضر است

• زنان در انقلاب‌های تاریخی مانند انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه و جنبش‌های استقلال‌طلبانه در مستعمرات، نقش اساسی در بسیج نیروها و هدایت اعتراضات داشتند. این مشارکت به تغییر نگرش‌های اجتماعی درباره توانایی‌های زنان و افزایش حضور آن‌ها در سیاست و مدیریت منجر شده است. نتایج حاصل از پژوهش کلمنتس با عنوان زنان کارگر و روستایی در انقلاب روسیه، ۱۹۲۳-۱۹۱۷ و نتایج مطالعه گودرزی با عنوان بررسی جنبش زنان در انقلاب کبیر فرانسه در قرن ۱۸ و یافته‌های پژوهش موگوئه با عنوان نقش زنان و جنبش‌های جدایی‌طلب نظامی شده در آفریقا هم راستا با فرضیه ۳ پژوهش حاضر است.



۴. نقش زنان در انقلاب‌های معاصر (انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی) و تأثیر آن‌ها بر تحولات سیاسی:
- زنان در انقلاب اسلامی ایران نقش برجسته‌ای در اعتراضات، سازمان‌دهی و گسترش پیام‌های انقلابی داشتند. پس از انقلاب، این حضور در حوزه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی ادامه یافت. نتایج حاصل از پژوهش علامه طباطبایی با عنوان تفسیر المیزان، نتایج حاصل از پژوهش افشارپور با عنوان تحلیل تطبیقی نقش زنان در گفتمان انقلاب اسلامی ایران و مدل مردسالارانه انقلاب و همچنین بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در کنگره ۷۰۰۰ شهید زن هم راستا با فرضیه ۴ پژوهش حاضر است.
  - در بیداری اسلامی، زنان در تظاهرات خیابانی، رسانه‌های اجتماعی و حتی در مذاکرات سیاسی نقش مهمی ایفاء کردند نتایج حاصل از پژوهش علامه طباطبایی با عنوان تفسیر المیزان، نتایج مطالعه حزباوی و علم با عنوان نقش زنان در جنبش‌های سیاسی - اجتماعی خاورمیانه در سال ۲۰۱۰ «جمهوری یمن» هم راستا با فرضیه ۴ پژوهش حاضر است.
  - یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود مشارکت گسترده زنان در این جنبش‌ها، دستاوردهای آن‌ها در حوزه حقوق و عدالت جنسیتی در برخی کشورها محدود باقی مانده است، در حالی که در برخی دیگر، زمینه‌ساز تغییرات اجتماعی پایدار شده است. نتایج پژوهش گودرزی با عنوان بررسی جنبش زنان در انقلاب کبیر فرانسه در قرن ۱۸، یافته‌های حاصل از پژوهش شریفی ساعی با عنوان جنبش زنان و هنر مقاومت در عصر مشروطه، نتایج مطالعه عبدلی با عنوان گفتمان حقوقی زنان: عصر مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول و نتایج حاصل از پژوهش کلمنتس با عنوان زنان کارگر و روستایی در انقلاب روسیه، ۱۹۲۳-۱۹۱۷ هم راستا با فرضیه ۴ پژوهش حاضر است.
- این یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت زنان در جنبش‌های مقاومت و انقلاب‌ها، تأثیر عمیقی بر تغییرات اجتماعی و سیاسی داشته و الگوی سوم زن می‌تواند به عنوان چارچوبی برای تحلیل نقش چند وجهی زنان در این تحولات مورد استفاده قرار گیرد.

#### ۵- بحث و نتیجه‌گیری

- در این پژوهش، نقش زنان در نقش‌های مختلف مقاومت مورد تحلیل قرار گرفت. بررسی‌ها نشان دادند که زنان در بسیاری از موقعیت‌ها می‌توانند به‌عنوان مبارزان فعال و تأثیرگذار حضور یابند و در جنگ‌ها و جنبش‌های اجتماعی نقش‌های کلیدی ایفا کنند، که با نتایج گلی زواره (۱۳۸۹) هم‌خوانی دارد. نوآوری این پژوهش در ارائه «الگوی سوم زن» به‌عنوان چارچوب تحلیلی است؛ این الگو نشان می‌دهد زنان نه تنها به‌عنوان پشتیبان ظاهر می‌شوند، بلکه در تصمیم‌گیری‌های راهبردی نظامی و سیاسی مشارکت فعال دارند و می‌توانند الهام‌بخش تغییرات ساختاری در جوامع باشند.



• نتایج پژوهش نشان داد حضور فعال زنان در مقاومت‌ها باعث پیشبرد اهداف اجتماعی و سیاسی و شکل‌گیری الگوهای رفتاری نوین در جامعه می‌شود، که با یافته‌های مولاوردی (۱۳۸۴) مطابقت دارد. این یافته‌ها تأثیر مثبت و گسترده زنان را در تاریخ و جنبش‌های مقاومت برجسته می‌کند و نشان می‌دهد آن‌ها می‌توانند همزمان در عرصه‌های خانوادگی و اجتماعی نقش‌آفرینی کنند.

• الگوی سوم زن، الگویی مستقل و مبتنی بر آموزه‌های وحیانی است، نه شرقی و نه غربی، که زنان را به‌عنوان بازیگران فعال در عرصه‌های خانوادگی و اجتماعی معرفی می‌کند. این الگو علاوه بر تحلیل نقش تاریخی زنان، قابلیت کاربرد در مطالعات معاصر و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز دارد و می‌تواند چارچوب نظری مناسبی برای تحلیل نقش چندوجهی زنان در جنبش‌های مقاومت فراهم کند.

• برای تقویت مشارکت زنان در جنبش‌های مقاومت، ارتقاء آموزش، تغییر نگرش‌های اجتماعی نسبت به نقش زنان و فراهم کردن حمایت‌های حقوقی و قانونی ضروری است. این اقدامات می‌توانند زمینه‌ساز تحقق عملی «الگوی سوم زن» و افزایش اثرگذاری زنان در تحولات سیاسی و اجتماعی باشند.

### پیشهادات

برای تقویت نقش زنان در جنبش‌های مقاومت، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

آموزش و توانمندسازی: ارائه آموزش‌های لازم و توانمندسازی زنان برای مشارکت فعال در جنبش‌ها

ترویج الگوی سوم زن: الگویی وحیانی و مستقل از دوگانه‌ی شرق و غرب که توازن الهی نقش‌های خانوادگی و اجتماعی را بر پایه‌ی ایمان و مسئولیت الهی برقرار می‌کند.

حمایت‌های قانونی و اجتماعی: ایجاد حمایت‌های قانونی و اجتماعی برای افزایش مشارکت زنان در جنبش‌های مقاومت و کاهش تبعیض‌های جنسیتی

### محدودیت‌های پژوهش

محدودیت در داده‌های تاریخی و اسنادی: استفاده از منابع تاریخی و معاصر ممکن است به دلیل کمبود یا سوگیری در ثبت و روایت نقش زنان در جنبش‌های مقاومت، جامعیت داده‌ها را محدود کند.

محدودیت در تعمیم نتایج: به دلیل تمرکز پژوهش بر موارد خاص تاریخی و فرهنگی، تعمیم نتایج به تمام جوامع یا انواع جنبش‌های مقاومت ممکن است دقیق نباشد.



## منابع

۱. ابن کثیر، إ. ب. (۱۹۹۸). تفسیر القرآن العظیم (تحقیق: محمد حسین شمس الدین، ج ۱، ص ۴۵). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. ابن کثیر، إ. ب. (۱۹۹۸). تفسیر القرآن العظیم (تحقیق: محمد حسین شمس الدین، ج ۲، ص ۷۶). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. ابن کثیر، إ. ب. (۱۹۹۸). تفسیر القرآن العظیم (تحقیق: محمد حسین شمس الدین، ج ۴، ص ۳۵۸). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. افشارپور، سهیلا، جلال پور، شیوا، عبدالخانی، لنا، شهابی، روح الله. (۱۴۰۱). تحلیل تطبیقی نقش زنان در گفتمان انقلاب اسلامی ایران و مدل مردسالارانه انقلاب. مجله مطالعات راهبردی بسیج. دوره ۲۵، شماره ۹۶، صص ۸۴-۴۱.
۵. براتعلی پور، مهدی. (۱۳۹۶). واکاوی هویت مقاومت در جنبش‌های بازخیزش مذهبی در عصر جهانی‌شدن، مطالعه موردی، جنبش اخوان المسلمین. مجله پژوهش‌های سیاست اسلامی دوره ۵، شماره ۱۱، صص ۸۴-۶۱.
۶. حزباوی، سمیره، علم، محمدرضا. (۱۳۹۳). نقش زنان در جنبش‌های سیاسی - اجتماعی خاورمیانه در سال ۲۰۱۰ «جمهوری یمن»، مجله علمی پژوهشی زن و فرهنگ، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۱۰۱-۱۰۷.
۷. خادمی، عاطفه؛ تقی‌زاده، فاطمه. (۱۳۹۸). مدل مفهومی موضوع زن در گفتمان انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای)، مجله زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۷، شماره ۲، صص ۲۵۷-۲۷۷.
۸. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۱). (پیام به کنگره ۷۰۰۰ شهید زن). تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای. <https://khamenei.ir>
۹. ذوالفقاریان، فاطمه، تقوی، سید محمد علی و اطهری، سید حسین. (۱۴۰۲). جنبش زنان در ایران پس از انقلاب؛ از مطالبات ایدئولوژیک تا مطالبات روزمره، مجله علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۳، صص ۴۵-۷۸.
۱۰. زارع، بیژن. (۲۰۱۷). جنگ چهره زنانه ندارد. مجله نقد کتاب علوم اجتماعی، انتشارات چشمه، دوره ۱۵، شماره ۴، صص ۱۰۳-۱۲۶.
۱۱. شریفی ساعی، محمدحسین. (۱۴۰۱). جنبش زنان و هنر مقاومت در عصر مشروطه. مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۱۱، شماره ۳، صص ۸۳۲-۷۸۹.
۱۲. شفیعی، سمیه سادات. (۱۴۰۲). بسیج جمع‌آوری اعانه در جنبش مشروطه؛ ابعادی از مشارکت اجتماعی زنان. مجله علوم اجتماعی، دوره ۳۰، شماره ۱۰۱، صص ۲۴۴-۲۱۱.
۱۳. طباطبایی، سید. محمد حسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان (جلد ۵، ص ۹۴). تهران: بنیاد فرهنگی اسراء.
۱۴. طباطبایی، سید. محمد حسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان (جلد ۱۳، ص ۲۸۲). تهران: بنیاد فرهنگی اسراء.
۱۵. طباطبایی، سید. محمد حسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان (ج ۱۴، ص ۲۰۸). تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. طباطبایی، سید. محمد حسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان (جلد ۱۹، ص ۳۴۶). تهران: بنیاد فرهنگی اسراء.
۱۷. عبدلی، ناهید. (۱۴۰۲). گفتمان حقوقی زنان: عصر مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول، مجله تحقیقات نوین میان رشته ای حقوق، دوره ۳، شماره ۲، صص ۳۱-۶.
۱۸. غنی زاده بافقی، مریم، ورمزیار، فائزه. (۱۴۰۰). تأثیر جنبش‌های فمینیسم بر تحول مفهوم خانواده. مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۴۶، صص ۲۵۳-۲۲۵.
۱۹. فیوضات، ابراهیم، تسلیمی تهرانی، رضا، دادگر، علی. (۱۳۸۸). گاندی، عدم خشونت و جنبش‌های اجتماعی. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۱۶۰-۱۴۱.
۲۰. قرآن مجید. ترجمه استاد حسین انصاریان. تهران: انتشارات رایانه پژوهان شرق
۲۱. کسرائی، محمدرسالار، طهماسبی، مریم. (۱۳۹۴). گفتمان‌های زنان پس از انقلاب اسلامی (گفتمان اصلاح طلبی، گفتمان سنت‌گرایی فقهی)، مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۱۶۷-۱۸۷.



۲۲. گلدستون، جک. (۱۳۹۷). به سوی نسل چهارمی از نظریه های انقلابی، ترجمه احسان بدریکوهی، مجله مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۷، صص ۳۸۱-۴۴۲.
۲۳. گلی زواره، غلامرضا. (۱۳۸۹). بانوان فلسطین، ماجرای مقاومت و مظلومیت (قسمت سوم). مجله پیام زن، (۲۲۴).
۲۴. گودرزی، م. (۱۳۹۴). بررسی جنبش زنان در انقلاب کبیر فرانسه در قرن ۱۸ (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی). وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۲۵. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۰). از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم، مجله پژوهش، صص ۱۱۷-۱۱۲.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۴). تفسیر نمونه (جلد ۱۶، ص. ۲۱۱). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). تفسیر نمونه (جلد ۴، ص ۱۲۷). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. منهجی، مجید. (۱۴۰۰). نقش لاله فاطمه نسومر در مقاومت اسلامی الجزایر (۱۸۳۰-۱۸۶۳ م). مجله علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۱۷۳-۱۴۹.
۲۹. موسوی، سیده طاهره. (۱۳۹۱). زنان در انقلاب های جهان. مجله پیام زن (۲۵۱).
۳۰. مولوردی، شهیندخت. (۱۳۸۴). زن ایرانی و تجربه ۲۵ سال حضور در مجامع بین المللی. مجله پیام زن (۱۵۷).
۳۱. میری، محدثه و معزی، مهلا. (۱۴۰۲). بررسی نقش زن و خانواده در جامعه ایران اسلامی از نگاه قرآن و مقایسه با دیگر جوامع اروپایی، هشتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران، تهران، <https://civilica.com/doc/1984777>.
۳۲. نبوی، محمدهادی، نظری، حبیب الله. (۲۰۲۴). مبانی انسان شناختی در ترسیم جای گاه حقوقی زن مسلمان: (با تمرکز بر فقه امامیه). فصل نامه علمی - پژوهشی غالب، (۴) ۱۳، ۱۲۷ - <https://doi.org/10.58342/143>.
۳۳. نویدی، یونس. (۲۰۱۴). توانمندسازی (۱) (مفهوم شناسی و آشنایی با رویکردها). مجله مدیریت در اسلام، دوره ۲۳، شماره ۹، صص ۸۱-۹۸.
۳۴. هدایت نیا، فرج الله. (۱۳۹۵). الگوی رفتاری زن در خانواده و جامعه. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

1. Adji, M. (2021). Ending Civil War Through Nonviolent Resistance: The Liberian Women's Movement Mass Action for Peace. *Journal of International Women's Studies*, 22 (9), 19-35.
2. Ackerman, P. Kruegler, C. (1994). Principles of Strategic Nonviolent Conflict," Chapter 2 of Strategic Nonviolent Conflict: The Dynamics of People Power in the Twentieth Century, (p. 21-53). Praeger Publishers.
3. Akhter, N., & Siregar, K. (2024). Contemporary challenges and the role of Muslim women in developing society. *International Journal of Islamic Studies & Culture*, 4(2), 491-496.
4. Clements, B. E. (1982). Working-class and peasant women in the Russian Revolution, 1917-1923. *Signs*, 8(2), 215-235. <https://www.jstor.org/stable/3173897>
5. Cornwall, Andrea. (2017). The Role of Social and Political Action in Advancing Women's Rights, Empowerment, and Accountability to Women. The Institute of Development Studies and Partner Organisations.
6. Folbre, N. (2014). *Who pays for the kids? Gender and the structures of constraint*. New York, NY: Routledge.



۷. Hashemi, Z., Shahabi, H., Haddad Narafshan, M. (2023). The Role of the Afro-Futurist Movement on Voice and Identity in the Works of Women of Color Writers. *Journal of New Trends in English Language Learning (JNTELL)*, 2(3), 47-54.
۸. Magsi, Hussan Ara , Mengal, Abdul Qadir. (2021). Women Empowerment in Islam and its Implications in the Contemporary World. *Al-Idah* . 39, - 2 (Dec. 2021), 1 - 11. DOI:<https://doi.org/10.37556/al-idah.039.02.0290>.
۹. Mougoué, J.-B. T. (2018). Gender and (militarized) secessionist movements in Africa: An African feminist's reflections. *Meridians: Feminism, Race, Transnationalism*, 17(2), 338–358. <https://doi.org/10.1215/15366936-7176483>
۱۰. Samier, E., & ElKaleh, E. (2021). Towards a Model of Muslim Women's Management Empowerment: Philosophical and Historical Evidence and Critical Approaches. *Administrative Sciences*, 11(2), 47. <https://doi.org/10.3390/admsci11020047>
۱۱. Swakol, B.K. (2022). Beyond Science and Politics: Typology and Harnessing Social Movements for Transformative Social Change. *Energy and Social Science Research*, 94, 102857.
۱۲. UNDP. (2016). Human development report 2016: Human development for everyone. New York, NY: United Nations Development Programme.